

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

فروردین ماه ۱۳۹۲ آوریل ۲۰۱۳

شماره ۸۱

toufan@toufan.org www.toufan.org

شادباش نوروزی حزب کارایران (توفان)

نوروزبر همه مردم ایران مبارک باد! ص ۲



چه حکومتی در ونزوئلا بر سر کار است ص ۳
به بهانه درگذشت رهبر ملی و دمکرات ونزوئلا



پیرامون درگذشت فرمانده چاوز ص ۴
اطلاعیه کمیته هماهنگی کنفرانس احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست

تعیین حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومانی در سال جدید
، یعنی ادامه محکوم کردن کارگران به مرگ تدریجی ص ۵

تشدید نزاع جناحهای رژیم در آستانه انتخابات قلابی ص ۶

نتایج شوم ده سال اشغال عراق ص ۷



دادخواهی برای مردم عراق

فراخوان شبکه بین المللی ضد اشغال بمناسبت دهمین سالگرد بمباران عراق ص ۹

گشت و گذاری در فیسبوک ص ۱۰

ده سال پس از اشغال عراق

استقبال از تجاوز امپریالیستی و "تبدیل جنگ به جنگ داخلی"!

دنیای مافیائی اسلامی ص ۱۲

باز هم در مورد تشدید نزاع بین گرگهای حاکم

شادباش نوروزی حزب کار ایران (توفان) نوروز بر همه مردم ایران مبارک باد!

فرخنده نوروز ما این سنت باستانی هزاران ساله ایرانی که همراه با آغازیدن بهار است بار دیگر فرا میرسد. نوروزی که همیشه با نشاط و امید همراه است، امیدی که بخشی از خوشبختی انسان است.

مردم میهن ما میکوشند همانند بهارجامه نو برتن کنند و خود را با طبیعت هماهنگ سازند. اما امسال نیز در شرایطی به استقبال عید نوروز میرویم که بخش اعظم مردم اعم از کارگران و زحمتکشان و حقوق بگیران دون پایه ایران در اثر گرانی کمرشکن، تورم افسارگسیخته و وضعیت اسفناک اقتصادی قدرت خرید و نونوا کردن ندارند و عید را بر سر سفره خالی برگزار میکنند و نوروزشان همانند هر روزشان است. سالی که گذشت سال باز هم پیشروی در هیولای فقر و شکاف عمیق طبقاتی بود. آمارهای خود رژیم سرمایه داری مافیائی جمهوری اسلامی به روشنی نشان میدهند که اکثریت مردم ایران زیر خط فقر دست و پا میزنند و تورم و ناامنی اقتصادی همچنان سیر صعودی طی میکنند. زندگی کارگران و زحمتکشان بخاطر سیاستهای ارتجاعی رژیم سرمایه داری از یک سو و تشدید تحریمهای جنایت کارانه اقتصادی از سوی دیگر نسبت به سال گذشته و خیم ترگشته است و مردم امیدوروشنایی به بهبودی وضعیت خود در چهارچوب نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی نمی بینند و چاره ای جز تشدید مبارزه علیه زالوصفتان حاکم ندارند. روز ۲۰ اسفند ۱۳۹۱، بیش از ۷۰۰ کارگر صنایع فلزی شماره یک و دو در مقابل استانداری تهران تجمع کردند و شعار «ما گرسنه ایم، یک درصد تامین تامین، ۹۹ درصد در حال مرگ و...» را فریاد زدند. این شعار تبلوری از جهنم سوزان نظام سرمایه داری جمهوری اسلامیست که با توسل به الله و اسلام ناب محمدی و با الهام از بانک جهانی و صندوق بین المللی بر مردم تحمیل کرده و حلقوم زحمتکشان را میفشارد. خیرگزاری ایسنا اعلام نمود: «افزایش ۲۵ درصدی دست مزد در جلسه روز دوشنبه شورای عالی کار در شرایطی به تصویب رسید که طی هفته های گذشته مذاکرات متعددی میان گروه های کارگری، کارفرمایی و دولت برگزار و پیشنهادات مختلفی از جانب دو طرف ارائه شد اما سرانجام پرونده دست مزد سال ۹۲ کارگران با رقم حداقل ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان بسته شد و کارفرمایان و کارگران با افزایش ۲۵ درصدی دست مزد به توافق رسیدند.»

این حداقل دستمزد کجا و آن هیولای گرانی کجا؟ روزنامه های جهان صنعت و اعتماد گزارش دادند که در آستانه نوروز قیمت هر کیلو گوشت قرمز به سی هزار تومان و مرغ به کیلویی شش هزار و دویست تومان رسیده است. افزایش قیمت سرسام آور میوه جات و شیرینی جات و تنقلات در آستانه نوروز دیگر دل و دماغی برای مردم محروم ۹۹ درصدی ایران باقی نگذاشته است که بتوانند در کنار سفره عید به جشن و شادی بنشینند.

اگرچه در سالی که گذشت در فقر و گرانی و رشوه و فساد اداری پیشروی داشتیم لیکن پیکار علیه سرکوبگریهای وحشیانه و ناهنجاریهای اقتصادی و اجتماعی بویژه اعتصابات کارگری نیز همچنان ادامه داشته و رژیم را سخت به تکاپو انداخته است. دولت احمدی نژاد که با دروغ و ریا و تقلب و با وعده رنگین کردن سفره زحمتکشان توسط پول نفت به قدرت رسید، پاسخ نان، مسکن، آزادی و عدالت اجتماعی را با زندان و شکنجه و اعدام داد. لیکن علیرغم همه این بگیر و ببندها مبارزات مردم مصمم تداوم یافت. اعمال جنون آمیز جمهوری اسلامی نظیر شلاق زدن کارگران در ملاء عام، اعدام جوانان قربانی جامعه سرمایه داری در ملاء عام به منظور ایجاد رعب و وحشت... اینها همه ناشی از ضعف و استیصال اوست که خود را در مقابل جنبش آزادیخواهانه مردم ناتوان می بیند و برای پیشگیری از آن به هر جنایتی دست می یازد. تشدید اختلافات باندهای مافیائی جمهوری اسلامی بر سر قدرت و غارت ثروت در آستانه برگزاری انتخابات قلبی ریاست جمهوری خرداد ماه و افشای یکدیگر در دزدی و فساد و ارتشاء بیش از پیش به تضعیف کلیت نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی انجامیده و شرایط مناسبی را برای تعرض به نظام فراهم ساخته است.

رژیم جمهوری اسلامی همواره تلاش بس عبث نموده تا از اقدامات غیرقانونی شورای امنیت و تحریمهای ضد بشری و تهدیدات امپریالیستی سوء استفاده کرده و در جهت تشدید سرکوب و خفقان داخلی بکار گیرد. رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی حق آزادی بیان و حقوق کارگران و زنان را حق و حقوق مسلم مردم ایران نمی داند و با سرکوب و دامن زدن به نارضاقتی عمومی به توطئه های امپریالیستی و صهیونیستی و دخالت نیروهای استعماری در ایران میدان میدهد. رژیم مافیائی حاکم با سرکوبگریهای وحشیانه اش و به بند کشیدن کارگران شریف ایران این ستون اصلی مبارزه ضد امپریالیستی عملاً بعنوان جاده صاف کن و خدمت کننده اجانب و عفریت خارجی عمل میکند.

حزب کار ایران (توفان) در آستانه نوروز ۹۲ فرصت رامغتنم شمرده به همه کارگران، به همه زحمتکشان، به همه فرهنگیان، به همه دانشجویان، به همه خلقهای ایران، به همه زنان مبارز ایران، به همه خانواده های جانباختگان راه آزادی، به زندانیان سیاسی که پرچم مبارزه را در بیغوله ها و شکنجه گاههای رژیم بر افراشته اند و به همه رفقا و یاران و همه کسانی که در راه آزادی و سعادت ستمدیدگان میروند شاد باش می گوید و برایشان در پیکار علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی پیروزی آرزومند است. به امید فراز آمدن نوروز مردم ایران.

نوروزتان پیروز باد!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند هزار و سیصد و نود و یک خورشیدی

چه حکومتی در ونزوئلا بر سر کار است

به بهانه درگذشت رهبر ملی و دمکرات ونزوئلا

با درگذشت هوگو چاوز رهبر ملی و دمکرات کشور ونزوئلا امپریالیستها به جشن و پایکوبی پرداخته اند، نوکرانشان به سماع نشسته و عده ای نادان و فریبخورده نیز بخاطر دشمنی با جمهوری اسلامی با گرامپریالیستی همصدا شده اند. بحث بر سر ماهیت حکومت ونزوئلا و "وابستگی و عدم وابستگی، سوسیالیستی و یا بورژوائی" همچنان داغ است. ما به بهانه درگذشت هوگو چاوز و پاسخ به این سئوالات بطور مختصر به همین مسئله می پردازیم تا کمکی ولو کوچک در تنویر افکار کرده باشیم.

در ونزوئلا حکومتی بر سر کار است که علیرغم اینکه از مناسبات سرمایه داری حمایت می کند و علیرغم اینکه نتوانسته و نمی تواند بندهای وابستگی اقتصادی خویش را از کنسرن ها و سرمایه های مالی امپریالیستی ببرد از نقطه نظر سیاسی این حکومت مستقل است. نمونه های حکومت دکتر محمد مصدق در ایران، سوکارنو در اندونزی، جمال عبدالناصر در مصر، بن بلا در الجزایر، النده در شیلی، آرینس در گواتمالا و نظایر آنها حکومتهایی هستند که گرچه در چنبره تارهای سرمایه جهانی گرفتارند و باین مفهوم و تنها به این مفهوم از نظر اقتصادی وابسته به حساب می آیند، ولی از نظر سیاسی حکومتهای مستقل محسوب می شوند. زیرا تابع دیکته امپریالیستها نیستند و سیاستهای خویش را بر اساس اوامر امپریالیستها تدوین نمی کنند. البته همواره این مبارزه میان حفظ استقلال ملی و هجوم سرمایه های مالی و فشارهای سیاسی امپریالیسم وجود دارد و تا طبقات هست نیز وجود خواهد داشت، ولی مسلم است که حکومتهایی که فاقد استقلال سیاسی اند سریعتر در تار و پود سرمایه جهانی گیر کرده و به امیال امپریالیستها گردن می نهند، لیکن تمام این واقعیتهای ناقص آن نیست که حکومتهای مستقل در جهان وجود دارند و وجود خواهند داشت. پیدایش این حکومتهای مستقل خود **شمره مبارزه طبقاتی و مبارزه ملل برای کسب آزادی و رهائی ملی است.** هواداران امپریالیسم و یا نافیان تئوری امپریالیسم طبیعتاً نه به توسعه طلبی و سرکرده گرائی امپریالیستها برای غارت جهان و نابودی استقلال ملل معتقدند و نه به پدیده ای بنام مبارزات رهائیبخش و برای کسب و یا حفظ استقلال ملی. این جریانات ارتجاعی در عمل همیشه در همه ممالک متحد امپریالیستها هستند. ما در ایران با نمونه "حزب کمونیست کارگری ایران"، هواداران نظریه ارتجاعی منصور حکمت همدستان امپریالیستها هستند و از تجاوزات امپریالیستی حمایت می کنند.

ترسکیستها نیز از جمله جریانات ارتجاعی هستند که بر علیه استقلال ملی قد علم کرده آنها "راستروانه" جلوه می دهند و در عمل همیشه همدست امپریالیستها و فاشیستها بوده اند.

رژیم حاکم در ونزوئلا نماینده پرولتاریای ونزوئلا نیست، نماینده بورژوازی کوچک و ملی است که سالهاست به رهبری چاوز سیاستی را در پیش گرفته است که بخشا در جهتی است که خواست پرولتاریا نیز به حساب می آید. در عوض امپریالیستها می کوشند ونزوئلا را به مستعمره رسمی خویش بدل سازند. با راه انداختن اعتصابات ارتجاعی و به نفع امپریالیسم، با انجام کودتای نظامی که هر بار با مقاومت سرسختانه مردم در هم شکسته شده است تلاش کرده اند حکومت چاوز را سرنگون کنند. همین نفس شکست امپریالیستها در ونزوئلا، موجی از مبارزه ضد امپریالیستی در امریکای لاتین بوجود آورده است که توده های مردم را به خیابان می آورد. ما با این مبارزات در برزیل و مکزیک و آرژانتین و... روبرو بوده ایم. وقایع جاری در ونزوئلا در یک شرایط بین المللی خاص و تهاجم جهانی امپریالیستی اتفاق می افتد که می توان آنرا یک جنبش ملی و دمکراتیک برای شرایط بهبود پیشروی جنبش انقلابی طبقه کارگر و توده ها و شرایط بحران آشکار امپریالیسم و تضعیف او توصیف نمود.

وقایع و حوادث جاری در ونزوئلا دارای اهمیت عمده بویژه در امریکا جنوبی است.

طبقات حاکمه سرمایه داری و امپریالیستی و مرتجعین رنگارنگ دولت ونزوئلا را دولتی "دیکتاتوری" و "ضد دمکراتیک" توصیف می کنند و با سوء استفاده از روابط دیپلماتیک ونزوئلا با ایران محیلانه می کوشند فضای اختناق و سرکوب در ایران را به فضای حاکم بر ونزوئلا به چسبانند و افکار عمومی جهان را برای دخالت و توطئه و کودتا در این کشور فراهم سازند.

نا گفته روشن است مخالفت ونزوئلا با تحریم و تجاوز نظامی به ایران سیاستی انساندوستانه و مترقی است و به نفع کارگران و عموم زحمتکشان است، ولی هر نوع تائید سیاستهای ویرانگر جمهوری اسلامی و سرکوب کارگران و زحمتکشان به هر دلیل و توجیه ای که باشد سیاستی ناصواب و مغایر با منافع مردم ایران است و به روابط برادرانه و انترناسیونالیستی خلقهای دو کشور لطمه وارد می سازد. این وظیفه مهم و آگاه گرانه را رفقای حزب برادر ما حزب مارکسیست لنینیست ونزوئلا با تائید خط و مشی حزب کار ایران (توفان) و تبلیغ آن در میان مردم ونزوئلا بدرستی انجام می دهد و از مبارزات مردم ایران دفاع می کند. این است فرق بین روابط انترناسیونالیستی بین دو حزب برادر و روابط بورژوائی بین احزاب بورژوائی. بدین رو مارکسیست لنینیستهای ایران و ونزوئلا مبارزات خلقهای دو کشور را درک کرده و آنرا بخشی از مبارزه خود جهت کسب آزادی و سوسیالیسم می دانند.

در پایان خوب است مجدداً به این نکته اشاره کنیم که در صفوف جنبش مارکسیست لنینیستی در گذشته در برخورد به پدیده ونزوئلا اختلافی بروز کرد. حزب "پرچم سرخ" که سابقاً در مواضع مارکسیستی لنینیستی قرار داشت در کنار نیروهای تروتسکیستی و ارتجاعی بیاری امپریالیستها و الیگارش و ونزوئلا رفت و تلاش کشور ونزوئلا را برای حفظ استقلال ملی به فراموشی سپرد. این حزب عملاً به چرخ پنجم امپریالیستها بدل شد. جنبش جهانی مارکسیستی لنینیستی نمی توانست وجود چنین دمل چرکینی را در درون خود تحمل کند و به گمراهی بسیاری کمونیستهای صدیق ونزوئلا یاری رساند. سکوت توام با رضایت و یا سکوت حساب شده می توانست

به حیثیت مارکسیست لنینیستها بویژه در آمریکای جنوبی لطمه بزند. نشست عمومی احزاب م-ل جهانی تصمیم گرفت نه تنها این حزب را پس از بحثها و تلاشهای فراوان برای نجاتش از صفوف خود اخراج کند، بلکه مبارزه نظری مهمی را نیز علیه وی در ونزوئلا سازمان داده به کارگران و زحمتکشان ونزوئلا بگوید که این جریان کوچکترین قرابتی با م-ل ندارد. برای مارکسیست لنینیستها آنچه مهم است اعتقادات نظری است و نه آن نوع "انترناسیونالیسم پرولتری" که بر هیچ زمینه علمی متکی نباشد. چنین "انترناسیونالیسم پرولتری" یک زد و بند مافیائی است که با مارکسیسم لنینیسم قرابتی ندارد. همبستگی جهانی تنها بین مارکسیست لنینیستها مستقر است و نه با دشمنان مارکسیست لنینیست. این بنظر ما نوع درست برخورد کمونیستی است.

حزب کار ایران (توفان)

یکشنبه ۲۰ اسفند ماه ۱۳۹۱

پیرامون درگذشت فرمانده چاوز

اطلاعیه کمیته هماهنگی کنفرانس احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست



کمیته هماهنگی کنفرانس احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست تاسف خود را از مرگ فرمانده هوگو چاوز فریاس رئیس جمهوری بولیواری ونزوئلا بیان میدارد. ما همبستگی خود را با طبقه کارگر، با مردم، با دولت بولیواری، و با انقلابیون و کمونیستها که با شهامت برای آزادی اجتماعی و ملی مبارزه میکنند اعلام میداریم.

روند انقلابی در ونزوئلا که در آن میلیونها نفر از کارگران و جوانان در آن شرکت داشته اند دست اندر کار دمکراتیزه کردن جامعه و احقاق حقوق تهیدستان در بهداشت، آموزش، و تامین اجتماعی بوده، تلاش داشته تا همگرایی اپوزیسیون به نیروهای ارتجاعی و لیگارش را درهم شکنند، و توده ها را برای دفاع از تحولات بسیج نماید.

دولت ونزوئلا با چاوز در راس آن سیاست مهم در هم آمیختگی در سطح آمریکای لاتین را در پیش گرفته است که شامل چندین کشور در منطقه بویژه کشورهای عضو آلبا میشود. نقطه نظر این سیاست اسقلال تحولات در منطقه و رودروئی با مخالفت آشکار امپریالیسم آمریکا با آن می باشد، امپریالیسمی که حاضر نیست از منطقه حیاط خلوت خود دست بردارد.

باین دلائل، فرمانده چاوز از حمایت مبارزان و انقلابیونی که برای آزادی اجتماعی فعالیت میکنند، از حمایت کارگران و خلق ونزوئلا، و از حمایت مردم آمریکای لاتین و دیگر کشورها برخوردار بوده است. او بعنوان یک مبارز، یک میهن پرست استوار، یک ضد امپریالیست منسجم در عرصه فعالیت حضور پیدا میکند. مرگ چاوز ضایعه ای بزرگ خواهد بود برای مبارزه بر علیه استبداد و برای روند بسیار سخت ولی اجتناب ناپذیر کسب آزادی برای مردم.

اما این ضایعه دردناک نقطه پایان مبارزه برای آزادی نخواهد بود. بلکه برعکس، ما اطمینان داریم که طبقه کارگر، خلق، و جوانان ونزوئلا این مبارزه را به پیش خواهند برد. آنها دوستان واقعی را از دشمنان آشکار و پنهان خود متمایز میکنند و قاطعانه در مبارزه برای آزادی، در مسیر انقلاب، و بطرف سوسیالیسم پیش خواهند رفت. با پرولتاریای انقلابی در رهبری، مبارزه توده های ونزوئلا خواهد توانست که سرمایه داری و امپریالیسم را بگور بکشاند، همان طوری که مبلرزات مردم کشورهای دیگر آمریکای لاتین و جهان این توانائی را دارند.

احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست متشکل در کنفرانس بین المللی، با انترناسیونالیسم پرولتری و با انقلاب پرولتری در جهان تجدید عهد نموده و بار دیگر اعلام میکنند که یقین دارند که اعضای حزب مارکسیست لنینیست کمونیست ونزوئلا و نیروهای واقعا انقلابی در کشور به مبارزه خود برای انقلاب و سوسیالیسم تا پیروزی ادانه خواهند داد.

کمیته هماهنگی کنفرانس احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست

۷ مارس ۲۰۱۳

ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان)

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

تعیین حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومانی در سال جدید، یعنی ادامه محکوم کردن کارگران به مرگ تدریجی



آقای خامنه ای! شما به عنوان دیکتاتور ضد انقلابی که رهبری نظام سرمایه داری و سرکوبگر و دزد و مافیائی جمهوری اسلامی را به عهده دارد، آگاهانه و با برنامه، راهی را بر گزیده اید که پایان آن سرنوشتی مشابه رژیمهای صدام و قذافی و اسد خواهد بود. آقای خامنه ای! شما نه می خواستید و نه می توانستید (به دلیل ماهیت طبقاتی خود) از تجارب تاریخ درس بگیرید؛ که بدون اتکاء به کارگران و زحمتکشان و توده های میلیونی کشور و پایبندی به آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی و منافع ملی، نمی توان در مقابل گرگهای امپریالیست ایستادگی و استقلال سیاسی را حفظ کرد.

آقای خامنه ای! شما با اجرای برنامه های اقتصادی نئو لیبرالیستی و تحریف آگاهانه اصل ۴۴ قانون اساسی در جهت چوب حراج زدن به ثروت ملی جامعه در جهت منافع سرمایه داران خودی و باندهای مافیائی حکومتی تحت عنوان خصوصی سازی و تغییرات ارتجاعی در قانون کار در جهت منافع سرمایه داران و علیه نیروی کار و حذف تعرفه های گمرکی و واگذاری تجارت خارجی به مافیای بازاری مولفه اسلامی عملاً تیشه به ریشه تولیدات صنعتی و کشاورزی داخلی زدید؛ و با حذف سوبسیدها و جهانی کردن قیمتها چنان به تورم و کاهش ارزش پول ملی و زیر خط بقا کشاندن میلیونها کارگر و زحمتکش شهر و روستا و افزایش شکاف طبقاتی دامن زدید که روی رژیم شاه را، که نوکر و سرسپرده امپریالیستها بود، سفید کردید.

آقای خامنه ای! بر بستر چنین برنامه و عملکرد مخرب اقتصادی است که امپریالیستها با استفاده از نقاط ضعف آن که در واقع عدم اتکاء به منابع داخلی و وابستگی تمام و کمال به واردات می باشد، تحریمهای اقتصادی را با هدف تحمیل فشار بیشتر بر کارگران و زحمتکشان اعمال کرده اند تا بر بستر نارضایتی و شورشهای خود جوش توده های گرسنه و جان به لب رسیده زمینه های مناسب را برای تسلیم و نوکری بی قید و شرط حکومت شما و مستعمره کردن ایران و یا تهاجم نظامی و تجزیه ایران فراهم آورند.

آقای خامنه ای! شما با ادامه سیاستهای سرکوبگرانه و آزادی کش و ادامه دادن به برنامه های اقتصادی مخرب و تحمیل حقوقهای یک ششم خط فقر به کارگران و محکوم کردن آنها به مرگ تدریجی عملاً بر شاخه نشسته و بن می برید و به آسیاب دشمن آب می ریزید. شما دقیقاً همان کاری را انجام می دهید که امپریالیستها و دشمنان خارجی این مردم می خواهند.

آقای خامنه ای! همه می دانند که شما تعیین کننده خطوط اصلی سیاستهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و حقوقی و امنیتی و سیاست خارجی و مسئول اصلی وضعیت کنونی کشور هستید و مجلس و قوه قضائی و دولت و نیروهای نظامی و انتظامی کارگزار دستورات شما هستند.

تعیین حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومانی با توجه به هزینه مسکن، خورد و خوراک و پوشاک و بهداشت و درمان و آموزش و ایاب و ذهاب عملاً به مفهوم محروم کردن کارگران از نیازهای اولیه زندگی، گسترش حاشیه نشینی و فقر غذایی و مجبور کردن فرزندان کارگران به ترک تحصیل و گسترش کار کودکان و رها کردن بهداشت و درمان و مرگ در اثر بیماری و گسترش طلاق و روانپریشی و اعتیاد و فحشا و دزدی و قاچاق و سایر مصائب اجتماعی است.

آقای خامنه ای! اگر ویتنام و کوبا و ونزوئلا توانستند در مقابل تهدیدات و تجاوزات و توطئه ها و تحریمهای امپریالیستی مقاومت کنند به خاطر اتکاء رژیمهایشان به کارگران و زحمتکشان و توده های میلیونی مردم شان بود و نه به مشتکی دزدهای مافیائی و شعبان بی مخ های چاقو کش و لومپن. در همه کشورهایی که واقعاً از موضع منافع ملی در عمل و نه ادعائی دروغین و ریاکارانه مقابل امپریالیستها ایستادگی کرده و می کنند سیاستهای اقتصادی و اجتماعشان دقیقاً در تضاد با عملکرد رژیم شماست؛ برای نمونه در ونزوئلا بعد از روی کار آمدن هوگو چاوز اقدامات زیادی در جهت ملی کردن صنایع و معادن و بانکها صورت گرفت و حداقل حقوق کارگران از ۱۵۴۸ بولیوار (۳۶۰ دلار) به ۲۰۴۷ بولیوار (۴۷۶ دلار) افزایش پیدا کرد و قانون کار به نفع طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا تغییر یافت به صورتی که فعالیت سندیکائی و حق اعتصاب و پرداخت به موقع حقوق و ۴۰ ساعت کار در هفته و یک ساعت وقت غذا در روز و ۲۰ هفته مرخصی زایمان حقی است که از طرف حکومت تضمین شده است. کارگران ونزوئلا در ازای اضافه کاری در روزهای شنبه دو برابر و در روزهای یکشنبه سه برابر حقوق دریافت می کنند. کارگر ونزوئلانی در صورتی که یک هفته بصورت مداوم کار کند معادل دو هفته حقوق می گیرد و در هفته بعد یک روز مرخصی با حقوق خواهد داشت. در ایران حداقل حقوق کارگران که معادل ۲۱۴ دلار در سال ۵۸ بود به ۱۰۶ دلار در سال ۹۲ کاهش یافته و بیش از ۸۰ درصد کارگران با قراردادهای موقت و سفید امضاء کار می کنند و حتی بسیاری از آنها کمتر از این حداقل تعیین شده دستمزد می گیرند. هیچ سندیکای مستقل و واقعی در ایران بصورت رسمی و قانونی فعالیت نمی کند. بسیاری از فعالین سندیکائی قهرمان نظیر منصور اسالو و رضا شهبابی و ابراهیم مددی و علی نجاتی به اخراج و سالها زندان و شکنجه محکوم شدند. اعتصاب در ایران نه فقط غیر قانونی است بلکه رژیم شما حتی از به گلوله بستن کارگران حق طلب نیز خود داری نمی کند که نمونه آن کشتار کارگران معدن خاتون آباد است. در ایران پرداخت همین حقوقهای یک ششم خط فقر نیز در بسیاری مواقع چندین ماه و حتی گاهی تا چند سال با تاخیر انجام می شود. حال اگر سر سوزنی صداقت و وجدان و شرافت در وجودتان داشته باشید عمامه تان را قاضی کنید و بگوئید هیچ سنجیتی بین عملکرد رژیم شما و رژیم هوگو چاوز در ونزوئلا وجود داشته یا دارد؟

آقای خامنه ای شما ریاکارانه و به دروغ ادعای انقلابی بودن می کنید در صورتی که در عمل به همه آرمانهای انقلاب خیانت کرده و در مقابل انقلاب مردم ایستادید و آن را به خاک و خون کشیدید. مردم ایران علیه رژیم دیکتاتوری و فاسد و دزد و نماینده سرمایه داری شاه با هدف رسیدن به آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی انقلاب کردند. خمینی، شما و همه دست اندر کاران حاکمیت جمهوری اسلامی در بعد از انقلاب در احیاء و بازسازی همان نظام سلطنتی و دیکتاتوری و ناعادلانه و فاسد و در بسیاری موارد حتی بدتر از گذشته اینبار با استفاده از حربه مذهب و خرافات و ریا و تزویر و دروغ و داغ و درفش و زندان و شکنجه و کشتار نقش اصلی داشته اید. شما با محکوم کردن کارگران و زحمتکشان میهن به مرگ تدریجی و گسترش بی عدالتی اجتماعی و شکاف طبقاتی و فساد اجتماعی و اتکاء به دزدان مافیائی و نیروهای مزدور امنیتی تنها گور رژیم منحوس جمهوری اسلامی را هر چه سریعتر حفر می کنید!

کارگران و زحمتکشان ایران با حفظ و گسترش اتحاد و همبستگی ملی خود و با همان آرمانهای انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ به مبارزات خود برای رسیدن به آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی و حفظ استقلال سیاسی ادامه داده و با هوشیاری انقلابی ضمن دفاع از حق تعیین سرنوشت خود هرگز اجازه آلترناتیو سازی و تجاوز نظامی و توطئه ایجاد جنگ داخلی و قومی و قبیله ای و مذهبی و تجزیه کشورشان را به امپریالیستها و مزدوران آنها نخواهند داد.

تشدید نزاع جناحهای رژیم در آستانه انتخابات قلابی

هرچه زمان باقی مانده برای برگزاری انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری ایران در ۲۴ خرداد ماه سال ۱۳۹۲ کوتاه تر می شود، جنگ داخلی در هرم قدرت رژیم جمهور اسلامی ایران حدت و شدت بیشتری بخود می گیرد. مقامات و افراد وابسته به جناحهای متخاصم رژیم تا آنجا که فساد، چپاول، غارتگری، رانت خواریشان مصالح عمومی و منافع ملی مردم و کشور را هدف قرار می دهد، با همدیگر به سکوت، چشم پوشی و مماشات رفتار نموده ولی آنجا که به منافع قشری و گروهی جناحهای حاکم تصادم می کند، بیرحمانه به افشای همدیگر دست می زنند. هنوز مدت زمان زیاد از آن نگذشته بود که در اثر مخالفت قوه قضائیه با درخواست رئیس قوه مجریه برای بازدید از زندانها، اختلافات قوای سه گانه حاکم در پی افشاگریهای رئیس جمهور صورت آشکار و علنی بخود گرفت. اگر چه این دوره از جنگ داخلی رژیم با پا در میانی ولی فقیه و خیانت نامیدن افشاگریها یا بعبارت دقیق تر، آگاه سازی جامعه از فساد مقامات رژیم تا حدودی فروکش کرده بود، اما پس از طرح استیضاح، شیخ الاسلامی، وزیر کار در مجلس، آتش اختلافات مجددا شعله ور شد.

تضادهای داخلی رژیم که پس از کنار زدن شخصیتهای اصلاح طلبان لیبرال در سال ۱۳۸۸، تدریجا به جنگ قدرت در میان رؤسای قوای سه گانه کشور- در یک سوی جبهه، قوه مجریه و در سوی دیگر آن، قوای قضائیه و مقننه انجامید، احمدی نژاد یکی دیگر از کارتهای «بگم بگم» خود، یعنی نوار گفتگوی فاضل لاریجانی، برادر کوچک باند لاریجانی ها با سعید مرتضوی را در صحن علنی مجلس به سمع نمایندگان رساند و از باندبازی و سوءاستفاده او از مقام و موقعیت برادران خود در دایره حاکمیت پرده برداشت. اما رئیس مجلس رژیم نیز در واکنش به این اقدام رئیس جمهور، به اطلاع خود از تخلفات و سوءاستفاده های برادر رئیس جمهور اشاره کرد و با اظهار تأسف از اینکه فیلم و نوار از او تهیه نکرده و آن را خلاف اخلاق می داند، در واقع، علنا به تهدید متقابل دست زد. این رخداد (شاید) غیره منتظره در مجلس نمایندگان رژیم، نشانی بود از اوجگیری دگرباره تشدید اختلافات داخلی در هرم قدرت رژیم و عزم رقبا برای تصرف کامل قدرت.

اوج گیری اختلافات درونی مقامات مسئول رژیم با ممانعت از سخنرانی علی لاریجانی، رئیس مجلس در قم و پرتاب کفش و مهر نماز به سوی وی از سوی تعدادی «کفن پوش» ظاهرا خودجوش، نشان داد که با هر چه نزدیکتر شدن زمان انتخابات، «تقدس» و اعتبار ولایت فقیه حداقل در نزد یکی از طرفین جنگ قدرت، یعنی هواخواهان رئیس جمهور از میان رفته و این بخش از اسلام پناهان مصمم اند بدون توجه به هشدارهای ولی فقیه، رقیب خود را به هر ترتیبی عقب برانند.

بی تردید، با درک همین واقعیت بود که سید علی خامنه ای بار دیگر وارد صحنه شد و اگر چه در سخنرانی خود ظاهرا موضع میانی گرفت و ضمن دعوت از طرفین برای حفظ آرامش، علنی نکردن اختلافات و تأکید بر پیامدهای خطرناک چنین رو در روئی ها، این بار برخلاف روزهای بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ماه سال ۱۳۸۸ که بصراحت از رئیس جمهور طرفداری کرد، نوک پیکان خود را مشخصا به سینه احمدی نژاد نشانه رفت و افشاگری وی در مجلس را اتهام ثابت نشده، عملی خلاف اخلاق و شرع دانست، از مافیای برادران لاریجانی به احترام نام برد و علی لاریجانی را «رئیس محترم مجلس» نامید.

اگر چه رؤسای دو قوه (برادران لاریجانی) پس از آخرین نصایح آیت الله خامنه ای، تقیه کرده و پای بندی خود به فرامین ولی فقیه را اعلام نمودند، ولی احمدی نژاد بدون اعلام عذرخواهی، تنها از عدم رضایت خود در «ناراحت کردن رهبر» سخن گفت. و لذا،

چنین موضعگیری های نامشخص و مبهم در کنار همه آنچه که در طول سالیان اخیر در رأس هرم قدرت ایران «اسلامی» اتفاق افتاده و می افتد، از هرج و مرج سیاسی و تشدید نزاع داخلی رژیم حکایت می کند و نشاندهنده آن است که ولی فقیه دیگر قادر نیست اوضاع را بطرز دلخواه خود کنترل نماید.

در چینی شرایط بلبشویی است که رئیس جمهور آمریکا باراک اوبا ما به مذاکره مستقیم با ایران علاقمندی نشان می دهد که چیزی جز سالوسی و ریاکاری سیاسی برای فضا سازی و کسب امتیازات ساسی و به زانو در آوردن ایران نیست. چرا که آمریکا باتکاء قدرت نظامی و مالی- اقتصادی سارقانه خود، هیچگاه با هیچ کشوری وارد مذاکره و گفتگو برابر حقوق نشده و حقوق ملی هیچ کشور و ملتی را تاکنون برسمیت نشاخته و در شرایط فعلی جهان هم بعید است که برسمیت بشناسد. امپریالیستهای غرب و در رأسها آنها امپریالیسم عنان گسیخته آمریکا که در مخوف ترین پیمان نظامی تاریخ- ناتو متحد شده اند، بمنظور تأمین منافع غارتگرانه امپریالیسی- استعماری خود، همواره از موضع قدرت با کشورهای مختلف وارد گفتگو شده اند تا بتوانند از این طریق نیز امتیازات هر چه بیشتری از کشور «هدف»، از جمله ایران نیز بگیرند.

لذا، وظیفه عاجل حزب ما و همه نیروهای انقلابی ایران است که ضمن هوشیاری و استفاده از فرصتها و تضادهای بین جناحهای مختلف رژیم جمهوری اسلامی و با حمایت از حقوق دمکراتیک و آزادیهای اجتماعی و برقراری آزادیهای سیاسی و پیوند این مبارزه علیه تحریم اقتصادی و دخالت های بیشرمانه امپریالیستها در ایران، صبورانه به سازماندهی مردم بپردازیم و از هیچ کوششی دریغ نورزیم. حضور فعال مردم در صحنه مبارزه و طرح تحریم انتخابات قلابی ریاست جمهوری و مخالفت با تحریم های ضد بشری اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران شعارهای مشخص سیاسی در کارزار مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و توطئه های امپریالیستی علیه مردم ایران است.

نتایج شوم ده سال اشغال عراق



۱۰ سال از اشغال وحشیانه کشور عراق و به خاک و خون کشیدن دهها هزار مردم بیگناه می گذرد. آمریکا بدون توجه به اعتراضات میلیونها مردم آزاده جهان عراق را بخاطر منابع نفتی و اهمیت استراتژیکی به اشغال کامل خود در آورد... همانطور که بارها سخن گفته ایم ماهیت این جنگ سواى دروغ پردازیهای رسانه های امپریالیستی و سواى تحریفات کارگزاران ریز و درشت آمریکائی نه آزادیخواهانه، بلکه ارتجاعی و استعماری است. امروز همه گان می دانند که هر آنچه رئیس جمهور پیشین آمریکا، آقای بوش و شرکا برای حمله به عراق ترأشیدند دروغ بود و اشغال عراق بی پرده و بدون کمترین توجه به موازین و قوانین خود ساخته بین المللی و به بهانه مبارزه با تروریسم انجام گرفت. عراق نه با القانده همکاری داشت و نه صاحب سلاح کشتار جمعی بود. این تبلیغات برای اغوی مردم و افکار عمومی بود.

در خلال ۱۰ سال اشغال عراق، دو و نیم میلیون (۲۵۰۰۰۰۰) کشته طبق گفته وزیر بهداشت عراق، یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) بیوه زن عراقی، - چهار میلیون (۴۰۰۰۰۰۰) کودک یتیم عراقی)، هشتصد هزار (۸۰۰۰۰۰) عراقی ناپدید شده در بازداشتگاههای مخفی مرتبط با احزاب گوناگون حاکم (بر اساس شکایت های ثبت شده در وزارت کشور عراق)، سیصد و چهل هزار (۳۴۰۰۰۰) زندانی عراقی که بدون اعلام جرم، در زندان های ارتش ایالات متحده، زندان های دولت عراق، و زندان های واقع در منطقه کردستان به سر می برند، چهار و نیم میلیون (۴۵۰۰۰۰۰) آواره عراقی در خارج از عراق، دو و نیم میلیون (۲۵۰۰۰۰۰) عراقی آواره در داخل عراق (به گزارش وزارت آوارگان عراق)، هفتاد و شش هزار (۷۶۰۰۰) مورد ثبت نام شده آیدز در عراق؛ این رقم قبل از تجاوز به عراق و اشغال آن کمتر از ۱۴ مورد بود (بنا به گزارش وزارت بهداشت عراق)، بیش از دو هزار پزشک و قریب به شش هزار نفر از روشنفکران و استادان دانشگاههای عراق ترور و یا به زندان افتاده اند.

آمریکا از بکار بردن فسفر سفید علیه مردم بی دفاع دریغ نکرد و از قتل عام بیرحمانه مردم عراق در فلوجه به هدف نهایی اش برای نابودی جنبش مقاومت و ثبات دست نیافت. چشم اسفندیار زندان و شکنجه " دمکراتیک " در زندان مخوف ابو غریب عراق نیز بر کسی

پنهان نیست و رسالت امپریالیست " دمکراتیک " آمریکا در جهان جز این نیست. اینهاست دستاوردهای شوم اشغال عراق در خلال ده سال اشغال.

هدف آمریکا از اشغال این کشور استقرار دائمی قوای نظامی و کنترل تمام و کمال منابع طبیعی این کشور بویژه نفت و محاصره ایران از یک سو و اعمال هژمونی بر سایر رقبای امپریالیستی از سوی دیگر بود. امپریالیست آمریکا موفق به نابودی زیرساخت اقتصادی و همه دستاوردهای ۵۰ سال اخیر عراق گردید اما موفق نگشت اراده پولادین مردم عراق و مقاومت استقلال طلبانه ملت را درهم کوبد. ارتش متجاوز آمریکا همراه با قوای نظامی بیش از ۳۰ کشور دیگر و در مجموع با یک نیروی ۲۵۰ هزار نفری در مقابل پیکار مسلحانه مردم عراق ضربات سختی خورد و در یک جنگ فرسایشی و پرهزینه (طبق آمار رسمی هزینه جنگ ۷۵۰ میلیارد دلار بوده است) در باتلاق بی ثباتی و بی دورنمایی فرورفته و چاره کار را در عقب نشینی و مستقر کردن قوا در کویت دیده است، تا در آینده هر لحظه لازم آید ارتش را مجددا وارد کارزار علیه " تروریستها " در عراق نماید. باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در طی مصاحبه ای پایان اشغال عراق را که وعده انتخاباتی ایشان بود اعلام و به دروغ بر ادامه گفتمان دمکراسی و سازندگی عراق مدرن تاکید ورزید. آمریکا هنوز دارای ۲۰۰۰۰ پرسنل نظامی و امنیتی در عراق است و نهادهای کلیدی و استراتژیک کشور را در کنترل خود دارد. هزینه سفارت آمریکا در بغداد با ۵۰۰۰ پرسنل در طی پنج سال ۲۵-۳۰ میلیارد دلار بوده است.

اشغال عراق نشان داد که دمکراسی و آزادی از دل تحریم و تجاوز و بمباران زیرساختهای حیاتی ملت بدست نمی آید و امپریالیسم نمی تواند منادی رهایی بشریت باشد. در عراق نه انتخابات دمکراتیک برگزار شد و نه آزادی احزاب به معنای واقعی و نه رفاه و امنیت اجتماعی. بلکه برعکس آنچه که مردم عراق طی سالیان طولانی بدست آورده بودند توسط امپریالیسم و صهیونیسم نابود گردید و کشور به عصر حجر پرتاب شد. آن بخش از اپوزیسیون ایرانی که در مقابل تحریم اقتصادی ایران سکوت کرده و بیشرمانه از تجاوز نظامی به ایران دفاع میکند، از سرنوشت غم انگیز احزاب و سازمانهای عراقی نیاموخته و به اپوزیسیون خیانت ملی بدل شده است. ننگ تاریخ بر جریاناتی که از الگوی " دمکراسی " بمباران لیبی و عراق و افغانستان و یوگسلاوی و جنگ نیابتی سوریه ... الهام میگیرند و به مزدور امپریالیست تبدیل شده اند.

مبارزه در عراق مبارزه مذهبی نیست مبارزه ای ماهیتا آزادیبخش و استقلال طلبانه و ضد استعماری است. این نکات است که در تحلیل باید برجستگی پیدا کند. برای طرد امپریالیسم و صهیونیسم از ممالک تحت سلطه اشغالگران استفاده از هرگونه وسیله ابراز مقاومت و سرکوبی دشمن مشروع و قابل فهم است. خلقهای جهان حق دارند گور این دشمنان و همدستان داخلی آنها را به عمیقترین وجه ممکن بکنند. ملت عراق تن به تجزیه کشور نخواهد داد. سرنوشت ملت عراق باید فقط بدست مردم این کشور و بدون دخالت نیروهای خارجی تعیین گردد.

زنده باد اتحاد خلقهای عراق علیه متجاوزین آمریکایی و رژیم دست نشانده عراق!

توفان

سخن هفته

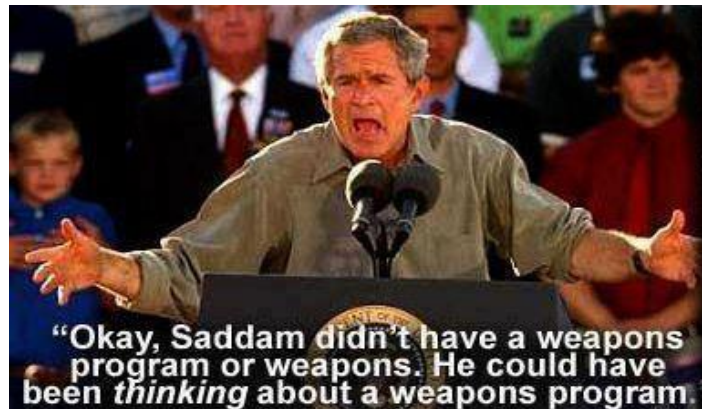
نقل از فیسبوک حزب کارایران



نابود باد امپریالیسم جهانی و درراس آن امپریالیست آمریکا دشمن شماره یک بشریت!

دادخواهی برای مردم عراق

فراخوان شبکه بین المللی ضد اشغال بمناسبت دهمین سالگرد بمباران عراق مسبب این فاجعه باید محاکمه شوند



شبکه بین المللی ضد اشغال که در برگزیده سازمانها و نهادهای زیر است، بیانیه ای پیرامون دهمین سالگرد اشغال عراق صادر نموده است که ترجمه آن از نظر خوانندگان گرامی توفان میگذرد. این بیانیه که با احساس مسئولیت و موشکافانه در مورد شرایط کنونی عراق به رشته تحریر در آمده و از حقوق حقه ملت عراق و حق تعیین سرنوشت آن به دفاع برخاسته است دارای نکات بسیار مهم و پراهمیتی است که مطالعه این سند را به همگان توصیه میکنیم. این سند درویژه نامه انجمن همبستگی با عراق بمناسبت دهمین سالگرد تجاوز به عراق انتشار یافته و در تارنمای آن قابل دسترسی است.

www.iraksolidaritet.se

بخشی از اعضای شبکه بین المللی ضد اشغال به قرار زیر است:

تریبونال راسل، کمپین اسپانیا علیه اشغال برای استقلال عراق، مرکز فعال بین الملل، همبستگی زنان عراق برای عراقی مستقل و متحد، تریبونال جهانی شاخه پرتغال در مورد عراق و انجمن همبستگی عراق در سوئد...

جنگ غیرقانونی که در قالب "جبهه ائتلاف" به رهبری آمریکا و بریتانیا علیه عراق آغاز گردید بدرستی با تعریف دادگاه نورنبرگ همخوانی دارد و یک جنایت علیه صلح است. متجاوزین و عاملین یک چنین جنگی باید در یک دادگاه بین المللی بخاطر عملکرد خود محاکمه شوند و به حقوق قربانیان این تجاوز پاسخ گویند.

شبکه بین المللی ضد اشغال سال ۲۰۱۳ را سال کمپین برای دادخواهی عراق نامید و خواهان محاکمه مسببین این فاجعه می باشد. ده سال اشغال عراق، کشور را به ورطه نابودی کشانید، روند فرقه گرایی سیاسی تحت دکتورین "پائول برومر" که برخلاف تمام قوانین بین المللی بود، مولود دولت ناهنجار کنونی عراق است.

عراق امروز آئینه تمام عیاری از درهم ریختگی در تمام عرصه های خدماتی و نقض سیستماتیک حقوق بشر و از جمله حق زیستن است.

فرهنگی با ریشه های عمیق تاریخی ویران و مورد تجاوز قرار گرفت و در هرج و مرج پرتاب شد. علیرغم عقب نشینی نیروهای نظامی از خاک کشور در اواخر سال ۲۰۱۱، عراق هنوز آزاد نشده است. عراق همچنان در چنگال دستگاه آمریکا گرفتار است و دولت دست نشانده متمایل به ایران با اعمال فرقه گرایانه و خشونت، زندگی مردم عراق را به خطر انداخته است. تا زمانیکه مردم عراق کنترل کامل کشورشان را در دست نداشته باشند، فضایی برای نظارت دمکراتیک در کشور باقی نمی گذارد. فساد دولتی و نقض حقوق بشر در سایه حضور آمریکا، ایران، اسرائیل و سایر نیروهای محلی ادامه دارد.

شبکه بین المللی ضد اشغال از استقلال و حق تعیین سرنوشت کامل مردم عراق حمایت میکند و با مرحله جدید اشغال و حاکمیت غیر قانونی و فرقه ای و نفاق افکن مخالفت می ورزد.

ما همگان را به فراخوان کمپین ۲۰۱۳ به مناسبت دهمین سالگرد اشغال عراق فرا می خوانیم که این امر تائید گفتمان زیر است:

- ۱ - شرط کامل پایان اشغال عراق این است که تمامی قوای نظامی خارجی و مشاورین غیر نظامی، نیروهای امنیتی و مستخدمین قراردادی و سربازان مزدور خاک عراق را ترک کنند و تمامی پیمانهای دراز مدت، شالوده سیاسی و قوانینی که تحت اشغال کشور به اجرا در آمدند و در تضاد با عهد نامه ژنو می باشند، ملغا گردند.
- ۲ - وحدت عراق باید مورد حمایت قرار گیرد و هرگونه تلاش خارجی برای تجزیه کشور باید مردود اعلام شود. بخاطر موقعیت سوق الجیشی و ژئوپلیتیک و ثروت عظیم عراق، ثبات در یک عراق امن و متحد و مستقل بنفع مردم عراق، منطقه و جهان است.
- ۳ - جنبش ضد اشغال عراق، تنها نهاد مشروع و نماینده واقعی مردم عراق است. همانطور که در بیانیه Le Feyt تاکید شده است (بیانیه لی فیت در سال ۲۰۰۸ در شهر لی فیت فرانسه با حضور بسیاری از احزاب و سازمانها و جنبشهای ضد اشغال در مورد استقلال عراق و خروج تمامی نیروهای متجاوز از خاک کشور..... به تصویب رسید- توفان)، هرگاه پرچم استقلال عراق در دست جنبش مقاومت عراق قرار داشته باشد، این جنبش در عمل نماینده و بیانگر اراده مردم عراق برای وحدت و مخالف با هرگونه فرقه گرایی است.

- ۴ - حقوق بشر همچنان نقض میشود. دستگاه امنیتی عراق ماشین سرکوب و مرگ است. کشتار دسته جمعی و سیستماتیک و محاکمه زندانیان بدون دادگاه منصفه در کشور جریان دارد. دهها هزار عراقی بطور خودسرانه دستگیر و زندانی شدند و در زندانهای رسمی و غیر رسمی بسر می برند. شکنجه بطور گسترده ای همچنان جریان دارد. ما خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی که بدون محاکمه و دادگاه در زندان بسر می برند و توقف بازداشتها و اعدامهای خودسرانه هستیم. ما خواهان لغو فوری اعدام در عراق هستیم.
- ۵ - میلیونها عراقی بنا بر دلایل داخلی و یا شرایط اشغال کشور از مملکت رانده شدند. تا زمانیکه امنیت و ثبات به کشور باز نگردد دورنمایی برای بازگشت آنها نیز باقی نمی ماند. اقدامات عاجلی باید برای حفاظت و حقوق و ارزشهای انسانی آنها صورت گیرد
- ۶ - پنتاگون عراق را به محلی برای آزمایش سلاح شیمیایی، اورانیوم رقیق شده و سایر سلاح تبدیل کرده است. سازمان بهداشت جهانی باید اثرات این سلاحها را بر مردم عراق مورد بررسی قرار دهد. آمریکا موظف است تمام مخارج پاکسازی مناطق آلوده به مهمات جنگی را به عهده گیرد.
- ۷ - تمام کشورهایی که در اشغال عراق شرکت داشتند به لحاظ حقوقی موظفند هزینه بازسازی شالوده جامعه و ملک و مال خصوصی مردم را بپردازند. به مردم غیر نظامی عراق که اینهمه مصیبت کشیدند باید خسارت اقتصادی پرداخته شود.
- ۸ - تمام جنایتکاران جنگی باید زیر نظر یک دادگاه بین المللی مورد تحقیق قرار گیرند. کارمندان امریکائی و سایرین به لحاظ حقوقی مسئول دروغها و سیاستی هستند که منجر به تجاوز به مردم عراق گردید. ما قضات تریبونال جنگی (kuala Lumpur) دادگاهی که در ماه مه ۲۰۱۲ در مالزی جرج بوش، چنی و رامزفلد را بخاطر شکنجه و جنایت جنگی محکوم کرده و حکم جلب آنها را صادر نموده است-توفان) و سایر ارگانهای رسمی را برای محاکمه آنها (جرج بوش، چنی و رامزفلد) فرامی خوانیم.
- ۹ - ارگانهای بین المللی موظفند باردیگر مساعی خود را برای تامین نیازهای انسانی مردم عراق، برای محافظت کادر پزشکی و سایر دانشگاهیان و بررسی لطمات مکانهای باستانی بویژه تهیه گزارش ویژه در مورد حقوق بشر توسط نهاد سازمان ملل متحد بکار گیرند.

شبکه بین المللی ضد اشغال پیرو معنوی تریبونال جهانی در مورد عراق است، تریبونالی که نماینده دادگاه خلق و تلاشی برای آغاز روند محاکمه مسببین و منعکس کننده تاریخ بود.

ما تاریخی که توسط فاتحان و نیروهای متجاوز که کشور مستقلی را بطور غیر قانونی به اشغال خود در آوردند، نوشته شود نمی پذیریم. سازمان ملل متحد با سکوت خود، نقش خود را بازتاب داده است. ما معتقدیم که سکوت به معنای مشارکت است. ما همگان را فرا می خوانیم به ما بپیوندند و با صدای رسا و بلند و روشن دادخواهی برای عراق و محاکمه مسببین را طلب نمایند!

شبکه بین المللی ضد اشغال

بمناسبت دهمین سالگرد اشغال عراق

گشت و گذاری در فیسبوک

ده سال پس از اشغال عراق

استقبال از تجاوز امپریالیستی و "تبدیل جنگ به جنگ داخلی"!

بیستم مارس اول فروردین بمناسبت دهمین سالگرد اشغال عراق رفیقی متنی بدین مضمون در فیسبوک به اشتراک گذاشت:

"اخیرا در گفتگوی کوتاهی با جوانی که به فارسی تکلم میکرد و از الگوی «رهائی کردستان عراق» الهام میگرفت نکاتی شنیدم که بازگوکردنش خالی از فایده نخواهد بود. شنشسوی مغزی و درجه سقوط تاین اندازه فاجعه بار، حیرت انگیز است:

«رهائی مردم ایران با اتکا به نیروی خود محال است. الگوهای گذشته مارکسیستی را باید بدور ریخت و سخن از مبارزه ضد استعماری آنهم در قرن بیست و یکم مضحک است. الگوی عراق، افغانستان و لیبی... الگوی بسیار کم هزینه تر از انقلاب بهمن ۵۷ است و رهائی از شرطالبان و صدام و قذافی... یک گام تاریخی به جلوس است.»

خونم که از این همه جهل و نادانی بجوش آمده بود با کلامی آرام پاسخ دادم:

عزیزم، هرگاه از انسانیت به توحش و حیوانیت بازگشتم با شما همراه خواهم شد"

در نقد این مطلب، دوستی که از سیاست تبلیغ "مانعت از تجاوز به عراق" به مذاقش خوش نیامد در تمجید از تبدیل جنگ تجاوزکارانه به جنگ داخلی و نتایج مترتب بر آن در عراق مطالبی اظهار داشته که جز در پارکابی امپریالیسم برای سرنگونی رژیم عراق، ایران، افغانستان و لیبی و سوریه معنا نمی دهد. این دوست که خود را پیرو صدیق "جبهه سوم" و جنگ انقلابی داخلی" میدانند چنین بیان داشته است:

"بایستی دقت کرد که وقوع جنگهای ارتجاعی امپریالیستی در منطقه اجتناب ناپذیر بوده و خواهد بود. اما آیا در شرایط وقوع آن بایستی تنها با آن مخالفت ورزید و تنها شعار صلح سرداد و یا اینکه بایستی از راهکار انقلابی برای پایان آن استفاده نمود که همانا تبدیل جنگ ارتجاعی خارجی به جنگ انقلابی داخلی است. چرا ما از شرایط ضعف و استیصال ارتجاع حاکم برای وارد نمودن ضربه آخرین حداکثر استفاده را ننمائیم؟ نمیگویم که همانند جریانات مزدور نقش ایفا نمائیم بلکه میتوان از مردم دعوت نمود که در صورت وقوع چنین جنگی موضع مستقل خویش را اتخاذ نموده و در سنگرهای مستقل و آزادیخواهانه خویش بر علیه ارتجاع حاکم و سلطه امپریالیسم مبارزه نمایند. از اینروست که بایستی شعار تبدیل جنگ به جنگ داخلی از همین حالا برای توده ها جا بیافتد و آنها را برای آن زمان توجیه نمود... و در ادامه از الگوی کردستان عراق که جنگ را به جنگ انقلابی تبدیل کردند بدین شکل پرداخته است:

" در جریان عملیات فروغ جاویدان مجاهدین در منطقه کرمانشاه مردم به محض شنیدن عبور واحدهای مسلح مجاهدین از مرز در شهرهای گیلانغرب، شاه آباد و کرد و کرمانشاه و حتی همدان در انتظار ورود آنها ماندند تا به محض ورود آنها همانند آنچه در شاه آباد کردند و به قلع و قمع مزدوران پرداختند در بقیه شهرها نیز چنان عمل کنند. بسیاری از آنها حتی نسبت به مجاهدین نیز سمپاتی نداشتند اما آنچه را که روی داده بود بهترین فرصت برای حرکت میدانستند و به حق هم چنین بود که آنها تصور مینمودند. جوانان اکثراً در تلاش تهیه سلاح بودند بدون اینکه از جایی و یا جریانی خط بگیرند. بله هم توده ها و هم ما نیز میدانیم فشار یک جنگ ویرانگر ارتجاعی همانند جنگ ارتجاعی دول ایران و عراق بر دوش کارگران و زحمتکشان و عموم توده های تحت ستم است اما آیا به قول معروف قرار است در جنگ حلوا پخش نمایند که اینچنین از بمباران و گلوله باران و صحبت میکنند. همان مردمی که شما در کردستان عراق از آنها صحبت میکنید بعد از خلاصی از دست ستم رژیم ارتجاعی صدام حسین و رفع ستم ملی اکنون برای احقاق حقوق اقتصادی و اجتماعی خویش تلاش و مبارزه میکنند و وسعت فعالیتهای سیاسی و اجتماعی کنونی کردستان و عراق با آنچه در زمان صدام حسین بود قابل مقایسه نیست و توده ها گامها به پیش رفته اند. و این میسر نمیشد جز اینکه همواره توده ها سعی نموده اند از شرایط تازه بسود رشد روند مبارزه خویش استفاده نمایند..."

پاسخ به این نقد:

حداقل انتظاری که از این دوست می رود این است که نظراتش را در مورد رخداد های واقعی اشغال عراق و افغانستان سبک و سنگین کند ببیند چرا سازمانهای چپ همنظرشان در این دو کشور موفق نشدند در پارکابی متجاوزین قدرت را در دست گیرند بلکه برعکس به آلت دست استعمارگران تبدیل شدند. از این تجارب تلخ باید آموخت و از ذهنیگری و چپروی کودکانه پرهیز نمود. نظر دوستان را به چند کامنت زیر در نقد نظرات بغایت انحرافی و خطرناک این دوست جلب می کنیم.

۱- هر مقوله ای را باید به طور کُنکرت و مشخص مورد نقد و تجزیه و تحلیل قرارداد تا بتوان نتایج مترتب بر آن را بیرون کشید. مقوله خلق های تحت ستم در ارتباط با مقوله ستمگری امپریالیسم و الحاق تعریف می گردد. آیا باید از خلق های تحت ستم برای رهائی ملی دفاع کرد یا نه؟ این که تاکتیک کمونیست ها چه باشد، بحث دیگری است. جنگ امپریالیستی جنگی ارتجاعی برای تقسیم مجدد جهان و کسب اشغال سرزمین های جدید و مواد خام است. جنگ رهائی بخش جنگی دفاعی برای کسب استقلال است. تاکتیک و نوع برخورد با این دو مقوله باید متفاوت باشد در غیر این صورت به دگماتیسم در خواهیم غلطید. متأسفانه همین درک غلط از مقولات است، که عده ای از جریانات سیاسی جنگ احتمالی و تجاوزکارانه علیه ایران را از هر دو سو ارتجاعی ارزیابی می کنند و مدام جنگ جهانی اول را مثال می آورند. یعنی رژیم های سرمایه داری ایران و عراق در دوره صدام حسین را امپریالیستی همانند روسیه ۱۹۱۷ می پندارند و ساز "جبهه سوم و جنگ را به جنگ داخلی" تبدیل کنیم راه می اندازند، بدون این که قادر باشند یک تحلیل درست سیاسی، اقتصادی و منطقی ارائه دهند. نوع برخورد ما به اشغال عراق، افغانستان و لیبی و. احتمالاً سوریه و ایران اگر مبتنی بر درک درست از ماهیت امپریالیسم و جنگ برای مواد خام و سرکردگی بر دیگر رقبای امپریالیستی نباشد، به نتایجی می رسیم که اپوزیسیون مرتجع عراق، افغانستان، لیبی ... رسید و این فاجعه بار است.

۲. تجاوز نظامی به عراق، افغانستان، لیبی، احتمالاً ایران دارای یک ماهیت است. این جنگ از طرف امپریالیست ها به طور مشخص آمریکا برای تصاحب مواد خام، نفت و گاز و ایجاد پایگاه های نظامی و کنترل رقبای تازه نفس نظیر چین و یا اتحادیه اروپا است. همه اینها به منظور حل بحران امپریالیستی است که اگر به صورت منطقه ای حل نگردد در نهایت امکان رودر روئی امپریالیست ها و جنگ جهانی منتفی نیست. حل بحران امپریالیستی با ویران سازی زیر بنای کشورهای مثل عراق و ایران و لیبی و افغانستان و با خاک یکسان کردن این ممالک و نابودی میلیون ها نفر از مردم محروم و زحمتکش و فرار موج میلیونی انسان ها به بیرون از کشور انجام می گیرد. پس این تجاوز محکوم است باید مانع این تجاوز جنایتکارانه شد. باید با صدای رسا و روشن و به صورت متحد گفت که تجاوز امپریالیستی به ایران موقوف، اشغال و بمباران ایران محکوم است. آمریکا و اسرائیل حق ندارند به ایران تجاوز کنند. این نقض تمام کنوانسیون های بین المللی و نقض قوانین خود ساخته سازمان ملل متحد است و باید محکوم گردد.

۳- حال اگر بر فرض مثال تجاوز به ایران صورت گیرد، این مردم ایران به ویژه محروم ترین اقشار جامعه هستند که آسیب می بینند. این تجاوز ابتدا زمینی نیست، بلکه یک تجاوز مهیب و ویرانگر هوایی با بمب افکن‌های غول پیکر است. آن قدر ایران را از هوا می کوبند تا با خاک یکسان شود، تا سرانجام رژیم سرنگون گردد و رژیمی ارتجاعی تر اما نوکر آمریکا بر مسند قدرت بنشیند. تازه در اینجاست که مقاومت در روی زمین آغاز می گردد. حال در این شرایط چه باید کنیم؟ نیروهای پیشرو و در رأس آن کمونیست‌ها باید همه مردم ایران را به مقاومت در مقابل متجاوزین و نوکرانشان دعوت کنند و در جبهه‌ای ملی و میهنی در مقابل اشغالگران بجنگند. باید دشمن اصلی و متجاوز خارجی را مورد هدف قرار داد و به دیگر نیروهای مسلح که خواهان مقاومت در مقابل متجاوزین هستند اعلان آتش بس داد. شعار ما این است: تمام سلاح به سوی دشمن متجاوز خارجی و بیرون ریختن اشغالگران از خاک ایران و کسب استقلال ملی... تنها در این بستر مبارزه است که کمونیست‌ها می توانند قدم به قدم اعتماد مردم را به دست آورند و سرانجام با حل مسئله ملی به مسئله داخلی و مطالبات مردم پاسخ گویند. حال دوست عزیز! شما چه فکر می کنید و در کجای این حوادث ایستاده‌اید؟ تاکتیک شما چیست؟ چگونه می خواهید با یک دست تیر به سوی دشمن خارجی رها کنید و با دست دیگر به سوی دشمن داخلی؟ و در آن واحد همه تضادهای جاری را حل کنید!! این جبهه سومی که نام می برید در کجاست؟ چرا امروز قبل از تجاوز به کشور توسط آمریکا رژیم را توسط جبهه تان سرنگون نمی کنید؟ منتظر چه هستید؟ اگر نیرو دارید، نفوذ در بین مردم دارید، بفرمائید این گوی و این میدان! با شعار توخالی و کشیدن چک بی محل که نمی توان به مسائل پیچیده اجتماعی پاسخ داد. باید بیشتر تعمق کرد و سنجیده حرکت نمود.

۴- نیروهائی که در پارکابی امپریالیست درنده آمریکا و با همکاری این ابرقدرت آدمخوار رژیم صدام را سرنگون کردند همه گی نوکری کاخ سفید و پنتاگون را در بست پذیرفتند. اپوزیسیون خودفروخته چلیبسم عراقی و ناسیونال شونیستهای کرد برای زدن رژیم صدام حسین تن به خیانت و جاسوسی برای امپریالیست آمریکا دادند و در ویران سازی و کشتار میلیونی مردم عراق سهیمند. این باعث تأسف است که شما از الگوی استعماری و ارتجاعی "دولت مستقل" کردستان عراق به رهبری بارزانی و طالبانی که بدون اربابشان اجازه نوشیدن آب ندارند دفاع میکنید. دوست نازنین چرا بیراهه می روید، چرا از استعمار فضیلتی ساخته اید و نتایج فاجعه بار بمباران و ویرانی عراق را نمی بینید و نمی خواهید ببینید که اشغال عراق که برای چنگ اندازی به چاههای نفت بود نه موجب آزادی عراق گردید و نه امنیت و نه استقلال.

ما در چند کامنت بالا تاکید کریم که سیاست ممانعت از تجاوز نظامی به عراق و تمرکز تبلیغات برای جلوگیری از بمباران عراق سیاست صحیحی بوده اگرچه جتیش صلح و ضد جنگ موفق به پیش گیری از این تجاوز نگردید. اما این امر دلیل نمی شود که ما در کنار متجاوزین بر شیپور تجاوز به عراق بدمیم تا بتوانیم از "قرصت مناسبی" که برای نیروهای اپوزیسیون بوجود می آید به کسب قدرت سیاسی نائل آئیم؟! با یک نگاه منصفانه به اوضاع کنونی عراق بعد از ده سال اشغال جنایتکارانه بر خلاف نظرات عده ای ساده لوح و فریبخوردنه نشان میدهد که شیرازه کشور از هم پاشیده و عراق صد سال به عقب پرتاب گردیده است. ما با همین وضعیت در مورد افغانستان و لیبی روبرو هستیم و سوریه که با دخالت ممالک امپریالیستی و نوکران منطقه ای اش در تب جنگ میسوزد... از سیاست امپریالیستی برای ایجاد نظم نوین نئو استعماری سرچشمه میگردد. سرنگونی رژیم ضد دمکراتیک و مستبد عراقی یا ایرانی و سوریه ای و... افغانی وظیفه خود مردم آن کشور است و نه نیروهای استعماری. این سیاست را باید دائم تکرار کرد و از نزدیکی به اجانب و ابرقدرتهای امپریالیستی پرهیز نمود. مبارزه برحق مردم بر علیه عفریت داخلی بدون پیوند با مبارزه عفریت خارجی و همبستگی خلقهای منطقه علیه امپریالیسم و ارتجاع به سرانجام نخواهد رسید.

دنیای مافیائی اسلامی

در دنیای مافیائی اسلامی، هر کس در پی ساختمان دستگاه تامین امنیت جانی و معاش خود است. تمام دستگاه دروغ و فریبکاری و ریاکاری ملاها در هم پاشیده است. اگر رئیس قوه قضائیه قاتلان جنبش دموکراتیک ۲۲ خرداد را رها می کند، اگر تروریستهای رئیس جمهور و خامنه ای و مصباح یزدی و رفسنجانی راست راست راه می روند و مورد پیگرد قانونی قرار نمی گیرند، پس هر کس برای تامین امنیت خویش و ترس از فردائی که بهر صورت فرا می رسد و ترس از بی مهری بالا سری ها، ترس از تجربه سقوط منتظری ها، رفسنجانی ها، موسوی ها، خاتمی ها، کربوبی ها، شریعتمداری ها و... می رود تا سند جمع کند، پرونده سازی کند، اندوخته مالی از راههای نامشروع انباشت نماید، ماموران مسلح و چاقوکشان حزب الله، انصار حزب الله، کفن پوشان، مریدان خود را سازمان دهد و داشته باشد. دزدی و بی قانونی و مریدبازی و لشکرکشی و یارگیری به رکن اساسی اداره جامعه ناامن بدل می شود. دیگر نزاعها، نزاع دارو دسته های قدرت است که همه آنها برای حفظ نظام سرمایه داری، ولی در تحت رهبری گروه بزن بهادر و خونی خویش، فعالیت می کنند. آنها بین هم از دواج می کنند تا مانند قرون وسطی با دختر دادن و پسر گرفتن اتحاد قبیله ها و امنیت جمعی را تامین کنند. این وضعیت در ایران فقط از حاکمیت آن دسته های مافیائی ساخته است که از "برادارن پاسدار قاچاقچی" تشکیل می شود تا کفن پوشان حرفه ای قم و برادران چاقوکش بسجی.

یکی دارای اسکله های مخفی است تا جنس به ایران وارد کند و در بازار بدون نظارت دولت و پاسخگونی به مجلس بفروشد و

میلیارد شود و دیگری در پی آن است که چگونه نظام بانکی را تلکه کند و با خیال راحت ساکن کانادا شود. یکی با قدرت اسلحه می چاید و دیگری به تجار خودی اعتبار ورود اجناس بنجل را می دهد تا از این بابت کمیسیون بگیرد و راه دزدی را باز کند. تأثیرات فاجعه آمیزش برای جامعه برای این مافیائی ها مهم نیست. رهبران در قدرت، تأمین عمر خود را نه در خدمت به مردم و زیستن در ایران، بلکه در فرار به کانادا می بینند و بسیاری از آنها از هم اکنون در آنجا دارای ثروتهای میلیاردی هستند. رفسنجانی نخستین آنها حتما نبوده است. نزاع حاکمیت که بحران درونیش تشدید شده است ناشی از همین نابسامانی مافیائی است. ترس از مردم و ترس از رقبا، قبیله های مافیائی را بجان هم انداخته است. رژیم می که امنیت هیچکس را محترم نمی شناسد خود در آشی که پخته است دست و پا می زند.

توفان

سخن هفته

نقل از فیسبوک حزب کارایران



رژیم در محاصره داخلی و خارجی

رژیم مافیایی جمهوری اسلامی امروز در دو جبهه خود را در محاصره می بیند. جبهه بیرونی و در راس آن توسط آمریکا و متحدینش و در جبهه درونی توسط عموم مردم ایران. هراس و وحشت رژیم از جبهه درونی هزار بار بیشتر از جبهه بیرونی است. تقلائی سازش همه جناحهای رژیم با جبهه بیرونی برای سرکوب و خاموش کردن جبهه داخلی یعنی مردم ایران غیر قابل انکار است. اینکه رژیم تا چه اندازه موفق خواهد شد تا خود را از این مخمصه نجات دهد زمان نشان خواهد داد. امید است هر چه سریعتر عمر نکبتباروی بدون دخالت اجانب توسط طغیان جبهه داخلی به پایان رسد. هر نوع کپی برداری و الهام گرفتن از سقوط رژیمهای لیبی، افغانستان و عراق و یا جنگ نیابتی سوریه برای مردم ایران فاجعه بار خواهد بود. هر نوع کپی برداری از جنگ جهانی امپریالیستی و «شعار تبدیل جنگ خارجی به جنگ داخلی» و الگوبرداری از دوران روسیه امپریالیستی، ذهنی گری محض و یک بیماری کودکانه و به آلت دست تبدیل شدن نیروهای متجاوز امپریالیستی است. نمونه زنده عراق و لیبی و افغانستان کنونی... آموزنده است. آموخته را دوباره آموختن خطاست. از نقش پارکابی امپریالیسم برای سرنگونی رژیم جدا باید پرهیز نمود.

توفان شماره ۱۵۷ فروردین ماه ۱۳۹۲

ارگان مرکزی

حزب کار ایران منتشر شد.

در این شماره مقالات تحلیلی در مورد کره شمالی، درگذشت هوگو چاوز، فشارهای امپریالیستها بر جمهوری اسلامی

و تشدید اختلافات دسته بندیهای مهم درون رژیم... و را می خوانید.

این مقالات را می توانید از طریق تارنمای توفان بخش توفان HTML

تهیه نمائید.

توفان را بخوانید و بدست دیگران برسانید!

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کارایران (توفان) کمک مالی کنید!

پارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترتسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولزین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

رنالیسم اسلامی و فلسفه مارکسیست

اثر ارزشمند رفیق دکتر غلامحسین فروتن. این کتاب را می‌توانید از طریق کتابخانه اینترنتی توفان تهیه نمایید



در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل

ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه میکنیم



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

[/http://www.kargareagah.blogspot.com](http://www.kargareagah.blogspot.com)

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahetoufan67.blogspot.com](http://rahetoufan67.blogspot.com)

از توفان در فیس بوک و توییتر دیدن کنید.



Name:
Toufan Hezbekar
Email:
toufan@toufan.org
Status:
هاشدارف هوزگا
طوفان و روش کار
... کیروفت کب شرم کدر

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!